



زنان راوی

حدیث

امیر المؤمنین (ع)

دکتر نهلا غروی نایینی*



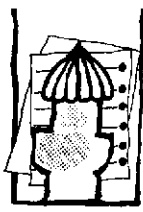
مقدمه

زمینه نیز نقش خویش را به خوبی ایفا کرده اند. لیکن باید گفت که همانند بسیاری از موضوعات دیگر مربوط به زنان، در این مورد نیز با آنان با سهل انگاری و کم اعتنایی برخورد شده است.

شیعه در طول تاریخ، مظلوم بوده و عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس (تهران).

۱. براساس تعریف متأخران از حدیث (که عبارت است از قول و فعل و تقریر معصوم-ع-) هرگونه نقل از این بزرگواران را می توان «حدیث» تلقی کرد.

بررسی کتابهای رجالی بی که معرف اصحاب و راویان رسول خدا (ص) و امامان معصوم (ع) هستند، نشان می دهد که تعداد زنان ناقل حدیث این بزرگواران، در کنار مردان راوی حدیث ایشان، بسیار کم است. از این گزارش ها می توان برداشت کرد که آیا اصولاً آنها در میدان نقل حدیث، نقش کمرنگی داشته اند و یا برعکس، در انتقال گفتار، رفتار و یا تقریر^۱ این بزرگواران، فعال بوده و در این



معصومان (ع) است، در می یابیم که شیخ، ۴۴۵ مرد راوی و سه زن راوی حدیث آن حضرت را معرفی می کند.^۲ لیکن با بررسی احادیث، به نام ۲۱ تن از زنان راوی امام علی (ع) دست یافتیم که عبارت اند از:

- (۱) آروی بنت حارث، (۲) اسماء بنت عمیس، (۳) امّ اسلم، (۴) امّ الحسن النخعیة، (۵) امّ حکیم الخولیة، (۶) امّ الخیر البارقیة، (۷) امّ سلّمة (هند)، (۸) امّ عبدالله بن جعفر، (۹) امّ کلثوم بنت علی (ع)، (۱۰) امّ موسی، (۱۱) امّ الهیثم، (۱۲) اُمّة بنت ابی العاص (زوجة امیر المؤمنین)، (۱۳) جاریة خماسیة، (۱۴) حَبّابة الوالیة، (۱۵) دارمیه الحُجُونیة، (۱۶) زینب بنت علی (ع)، (۱۷) سودة بنت عُمارة، (۱۸) عُمرة بنت نفیل، (۱۹) فاطمة بنت علی (ع)، (۲۰) لیلی الغفاریة، (۲۱) نضرة الازدیة.

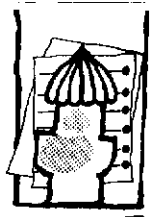
شرح حال، فضائل، ایمان، سخنان و فعالیت های این بزرگ زنان تاریخ، نشان

۲. رجال الطوسی، محمد بن حسن طوسی، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۵ ق، ص ۵۷-۸۹.

بسا که نویسندگان و قلم به دستان، در محور آثار و مفاخر شیعه، همت گمارده اند. با وجود این، با بررسی کتابهای تاریخی و حدیثی و رجالی، می بینیم که نه تنها زنان در عرصه نقل حدیث حضور داشته اند؛ بلکه در مواردی چند، عناصر بسیار مفید و مؤثری بوده اند و با بیان حقیقت، به دفاع از حق اهل بیت رسول خدا (ص) پرداخته و در زمینه نقل احادیث اعتقادی، تربیتی، حکمی و سیاسی، نقش بسیار مؤثری داشته اند.

در این مقاله، شرح حال و روایات نقل شده زنان راوی امام علی بن ابی طالب (ع)، مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته تا گوشه ای از نقش زن در عرصه نقل حدیث، روشن گردد. نام برخی از این بانوان از سندهای احادیث به دست آمده و نام عده ای دیگر، از لایه لای تواریخ و گفتاری که در بارگاه های ظلم داشته اند و به رغم وجود خفقان ها و دشمنی ها حقایقی را آشکار ساخته اند.

با پژوهش در «رجال» شیخ طوسی که متقدم ترین کتاب برای شناخت اصحاب

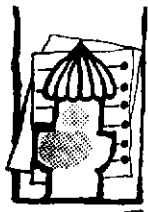


می دهد که هر یک از ایشان، نقطه عطفی در ایفای نقش زن در اسلام بوده اند. این راویان، زمانی گفتار، رفتار، کردار و فضائل علی بن ابی طالب (ع) را متذکر می شدند که جامعه اسلامی دچار اختناق، جعل و تزویر حدیث و سبّ امیرالمؤمنین (ع) بود. بنابراین، نقش نقلهای ایشان در مقابله با شرایط آن زمان، بسیار آشکار و غیر قابل انکار است.

در میان راویان امام علی بن ابی طالب (ع)، کسانی چون آروی دختر حارث، امّ الخیر بارقیه، دارمیه حجونیّه و سوده دختر عماره را مشاهده می کنیم که عدالت، جوانمردی، پیروی از حق، محبّت و ولای علی (ع) چنان در ایمان قوی ایشان ریشه دوانیده بود که در دربار معاویه بن ابی سفیان با شهادت، کلام حق را ادا کرده، به بیان خصائص و رفتار و کردار امیرالمؤمنین (ع) پرداختند، تا جایی که معاویه و درباریان او را به تعجب واداشتند و نشان دادند که باکی از کشته شدن به دست فردی چون معاویه ندارند. آروی، دختر حارث بن عبدالمطلب

(م ۵۰ق)، صحابی رسول اکرم (ص) و از بانوان فصیح و بلیغ بود. وی در برابر معاویه، ناحق بودن خلافت او و اسلام نیاوردن او را [تافتح مکّه] به رُخش کشید و از امانتداری علی (ع) و عمل آن حضرت به احکام و اوامر الهی سخن گفت و عمرو عاص و مروان را مفتضح ساخت و شعری در فضائل امیرالمؤمنین (ع) سرود و صفات آن حضرت را بر شمرد.^۳ امّ الخیر، دختر خَریش بن سُرّاقه بارقیه، از تابعیان رسول خدا (ص) و از اصحاب علی (ع) بود که در بارگاه معاویه، لغزشها و گمراهی های او را به یادش آورد و گفت: «علی (ع) طبق سنت راستین پیامبر (ص) عمل می کند و برای

۳. بلاغات النساء، محمد بن ابی طاهر (ابن طیفور)، مكتبة المرتضوی، نجف ۱۳۶۱ق، ص ۴۳؛ العقد الفرید، احمد بن محمد (ابن عبد ربّه)، تحقیق: محمد قمیحه، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۵۸-۳۵۷؛ الدر المنثور فی طبقات رِئاس الخدور، زینب فوّاز العاملی، مصر، ص ۲۵؛ بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، مؤسسة الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ق، ج ۴۲، ص ۱۲.



یا از جنگ؟ از اسلام روی گردانیده اید یا از حق برگشته اید؟

این بانوی با شهامت، در مکتب علی (ع) آموخته بود که باید از حق دفاع کند و از چیزی نهراسد.

دارمیه حجویه، زنی سیه چهره، اما سپید سیرت، با فضیلت و فصیح از قبیله بنی کنانه و از طرفداران و اصحاب علی (ع) بود. او در زمان خلافت معاویه زنده بود و در حُجُون مکه زندگی می کرد.^۴ او خطاب به معاویه، علی (ع) را چنین توصیف می کند:

فأنتی أحببت علیاً علی عدله فی
الرعیة و قسمة بالسویة و والیت علیاً
علی ما عقد له رسول الله من الولاية
و حبه المساکین واعظامه لاهل
الدین ... ۵.

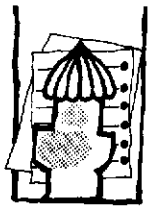
علی (ع) را دوست دارم، به سبب عدلش نسبت به رعیت و اینکه بیت المال را مساوی قسمت

۴. بلاغات النساء، ص ۵۸۵۵؛ العقد الفرید، ج ۱، ۳۵۵-۳۵۴.

۵. همان، ص ۱۰۵؛ العقد الفرید، ج ۱، ص ۳۵۲.

کسب لذتها از راه راست منحرف نمی شود. اوست دو شقه کننده بدنهای [ی کافران] و شکننده بتها. آنگاه که نماز گزارد، مردم مشرک بودند. پیامبر (ص) را اطاعت کرد؛ در حالی که دیگران از او روی گرداندند. سپس شجاعتها و شهامتهای علی (ع) در بدر، احد، خیبر و هوازن را یادآور شد، تا جایی که معاویه گفت: «به خدا قسم، اگر تو را بکشم، بر من گناهی نیست». ام الخیر گفت: به خدا سوگند که بدم نمی آید به دست مردی شقی چون تو، کشته شوم.

ام الخیر در جنگ صفین شرکت کرد و در حالی که تازیانه ای در دست داشت و مانند شیر نعره می کشید و جنگاوران را به جنگ ترغیب می کرد، می گفت: ای مردم! بترسید از ساعت قیامت که امری است عظیم. به درستی که خداوند، حق را برای شما واضح گردانیده و دلیل و برهان را آشکار کرده و راه را روشن نموده و علم را بلند گردانیده و شما را در کهدی و تاریکی نگذاشته است. خدا شما را رحمت کند، به کجا می خواهید بروید؟ از امیر المؤمنین (ع) فرار می کنید



می کرد. تو را دشمن می دارم؛
زیرا با علی (ع) جنگیدی در امری
که او از تو برتر بود و چیزی را
طلب کردی که حقّی در آن
نداشتی. علی (ع) را دوست دارم،
چون رسول خدا (ص) او را ولایت
بخشید و دوستدار مستمندان بود و
اهل علم را بزرگ می شمرد...

دیگر از زنان با صراحت لهجه و
راستگو و صادق در ایمان به ولایت،
سوده، دختر عماره بن اشتر همدانی
است که بانویی شجاع و در گفتار، فصیح
و بلیغ بود و از شیعیان علی (ع) به شمار
می رفت و با کلام و شعر خویش، جهاد
می کرد. او در برابر معاویه، حق کلام را
ادا کرد و پایداری خویش را به ولایت
امیرالمؤمنین (ع) اثبات نمود. فضائل این
زن از ملاقاتش با معاویه که (ابن طیفور و
ابن عبد ربّه در کتابشان نقل کرده اند و) در
ضمن آن، رفتار و کردار علی (ع) را
می ستاید، آشکار است.^۶

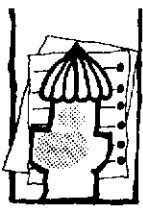
از دیگر زنان صحابی امام علی (ع) از
امّ آسلم و حبابه و البیه می توان یاد کرد که
به «صاحبة الحصاة» (یعنی دارنده

سنگریزه) ملقب شدند. این دو از تصدیق
کنندگان امر ولایت و آگاهان سرّ امامت
بودند و سرگذشت آنها و داستان
مراجعه شان به امیرالمؤمنین (ع) و سؤال
در باره امر امامت و سخنانشان در تأیید آن
حضرت، در کتب حدیث نقل شده
است.^۷

جاریه خماسیه، دختر پنج ساله ای که
در زمان خلافت امیرالمؤمنین (ع)
می زیست و پدرش در جنگ صفین در
رکاب آن حضرت شهید شد، یکی از
اصحاب و راویان علی (ع) به شمار
می آید. این دختر با عبدالواحد بن زید در
کنار کعبه ملاقات کرد و به ذکر خصائل و
فضائل علی (ع) پرداخت. ارادت و
معرفت این دختر خردسال، بیان کننده
علم و آگاهی اش نسبت به مقام امامت و

۶. همان، ص ۴۷؛ العقد الفرید، ج ۱،
ص ۳۴۴.

۷. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، چاپ
سوم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ق،
ج ۱، ص ۳۴۶؛ کمال الدین و تمام النعمه،
محمد بن علی بن بابویه، تصحیح: علی
اکبر غفّاری، مؤسسه النشر الاسلامی،
قم، ج ۲، ص ۵۳۶.



بر روی چشمان ما کشید و دعا کرد و دستش را برداشت. به خدا قسم، اکنون من از فرسنگها فاصله، شتر را می بینم.^۹

لیلی غفاری، از اصحاب پیامبر (ص) و مجاهدی جنگجو بود که همراه رسول خدا (ص) برای مداوای مجروحان و مراقبت از بیماران، در جنگها شرکت می کرد. او در جنگ جمل نیز همراه علی (ع) شرکت داشت و نزد عایشه رفت و گفت: «آیا از رسول خدا (ص) درباره فضیلت علی (ع) چیزی شنیده ای؟». سپس او را وادار کرد که فضائل علی (ع) را به یاد آورد. لیلی می گوید: در خانه عایشه بر رسول خدا (ص) وارد شدم و علی (ع) بیرون خانه بود. شنیدم که پیامبر (ص) به عایشه فرمود: «ان هذا (علی) أحبّ الرجال الیّ و اکرمهم»^{۱۰} و نیز فرمود:

۸. بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۲۲۰.

۹. همان جا.

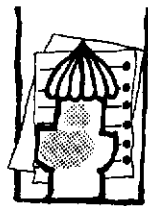
۱۰. الاصابة فی تمییز الصحابة، ابن حجر عسقلانی، مکتبة مصطفى محمد، ۱۳۵۸ق، ج ۴، ص ۴۰۳؛ موسوعة حیاة الصحابیات، محمد سعید مبیض، مکتبة الغزالی، ادلب، ۱۴۱۰ق، ص ۶۸۶.

ارادتش به مولای متقیان علی (ع) است. او در این باره می گوید:

ذلك واللّه علّم الاعلام و باب الاحکام و قسیم الجنة والنار و ربّانی هذه الامة و رأس الائمة، اخو النبی و وصیّه و خلیفته فی امّته، ذلك مولای امیر المؤمنین علی بن ابی طالب ...^۸

به خدا قسم، او راهنمای راهنمایان، باب احکام و تقسیم کننده بهشت و جهنم، تربیت کننده این امت و اولین امامان و برادر و جانشین و وصی پیامبر (ص) در میان امتش است. اوست مولای من، امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (ع).

عبدالواحد می گوید به جاریه گفتم: «علی (ع) را چگونه چنین توصیف می کنی؟». گفت: به خدا قسم، پدرم غلام او بود و در پیش او در جنگ صفین کشته شد. روزی علی (ع) به دیدن ما آمد. مادرم بیمار و در بستر بود. چشمان من و برادرم از آبله کور شده بود. هنگامی که ما را دید، آه دردناکی کشید و ما را نزد خود خواند. دست مبارکش را



«هذا علی، أوّل الناس ایماناً».^{۱۱}

اسماء بنت عمیس (م ۴۰ق) و امّ سلمه (م ۶۲ق)، از بزرگ راویان علی (ع) هستند که در صداقت و وثاقت، ایمان و عبادت، وفاداری شان به اهل بیت (ع) و اظهار ارادت نسبت به آنها، نمونه های بسیار بارزی بودند. نویسندگان کتابهای رجال و جرح و تعدیل و شرح حال، در وثاقت و صداقت و لیاقت این دو بانوی بزرگوار، تردیدی روا نداشته اند. گفتار ایشان در حقّ علی (ع) معروف است. این دو، هنگامی که فتنه ها ظاهر گشت و جعل و تزویر فزونی گرفت، از بهترین مدافعان حقّ آن امام و اهل بیت (ع) بودند. اسماء بنت عمیس (خواهر میمونه، همسر رسول خدا)، همسر جعفر طیار، از زنان بزرگوار روزگار خویش و از اولین گروندگان به اسلام بود که همراه همسرش جعفر، برای پیشبرد اسلام به حبشه مهاجرت کرد و در سال فتح خیبر به مدینه آمد. او پس از شهادت جعفر، در سال هشتم هجری با ابوبکر ازدواج کرد.

اسما، این صحابی جلیل القدر و راوی موثق رسول خدا (ص)، مادر محمد بن

ابی بکر است که درباره او گفته اند: نجات محمد بن ابی بکر از جانب مادرش بود.^{۱۲} پس از مرگ ابوبکر، حضرت علی (ع) با آسما ازدواج کرد. خانه داری او و رسیدگی اش به حضرت زهرا (س) خصوصاً در ایام بیماری آن حضرت و حضور در مراسم غسل و تدفین ایشان، معروف است.^{۱۳}

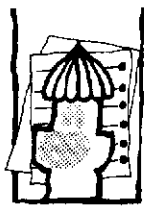
آسما از شهود فدک و از تکذیب کنندگان این حدیث جعلی بود که: «نحن معاشر الانبیاء لانورث. ما ترکناه صدقة»^{۱۴} ما پیامبران، چیزی به ارث نمی گذاریم. آنچه ما به جای می گذاریم، صدقه است.

۱۱. الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، یوسف بن عبداللّه (ابن عبد البر)، تحقیق: علی محمد البجاوی، مصر، ج ۴، ص ۴۶۴.

۱۲. معجم رجال الحديث، ابوالقاسم خویی، چاپ پنجم، مدینه العلم، قم، ج ۱۴، ص ۲۳۰.

۱۳. الطبقات الکبری، محمد بن سعد کاتب واقندی، دار صادر، بیروت، ج ۸، ص ۲۸۱-۲۸۲؛ الاستیعاب، ص ۱۸۹۷.

۱۴. هیچ یک از اصحاب رسول خدا (ص) چنین حدیثی نقل نکرده اند و ابوبکر در نقل این حدیث، منفرد است. لذا از احادیث ضعیف است و نمی شود به آن استناد کرد و به چند دلیل مردود است و چه بسا جعلی باشد (شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۹، ص ۲؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۸۲).



و حذیفه از او نقل کرده است. ۱۸

قریب سی تن از بزرگان حدیث شیعه و سنی از اسما روایت نقل کرده و او را توثیق نموده اند که از جمله آنها علی بن الحسین (ع)، فاطمة بنت الحسین (ع)، ابو زید مدنی، ابو موسی اشعری، سعید بن مسیب، عامر شعبی، عطاء بن ابی رباح، عمر بن خطاب و عون بن جعفر هستند. ۱۹

۱۵. الاستیعاب، ص ۱۸۶۱؛ اسد الغابة فی معرفة الصحابة، ابن اثیر جزری، تصحیح: احمد ابراهیم البنا - محمد احمد عاشور، چاپ اول، قاهره، ج ۵، ص ۴۷۹.

۱۶. من لا یحضره الفقیه، محمد بن علی بن بابویه، تصحیح: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم، ج ۱، ص ۲۰۳؛ المعجم الکبیر، سلیمان بن احمد طبرانی، مکتبه ابن تیمیة، قاهره، ج ۲۴، ص ۱۴۹.

۱۷. المعجم الکبیر، ص ۱۴۹.

۱۸. بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۱۰۲.

۱۹. اسد الغابة، ج ۷، ص ۱۲؛ تهذیب التهذیب، ابن حجر عسقلانی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۲۵ق، ج ۱۲، ص ۳۸۹؛ الطبقات الکبری، ص ۲۸۰؛ اعلام النساء فی عالمی العرب و الاسلام، عمر رضا کحالة، چاپ پنجم، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۵۷.

لیکن ابوبکر، شهادتش را نپذیرفت.

رسول خدا (ص) بارها او و خواهرانش را اهل بهشت خوانده بود. ۱۵

اسما از روایان معروف حدیث «ردّ الشمس» برای علی (ع) در زمان پیامبر (ص) است که در آن آمده:

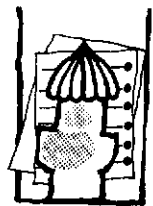
بینما رسول الله (ص) نائم ذات یوم و راسه فی حجر علی (ع) فقاته العصر حتی غابت الشمس فقال: «اللهم ان علیاً کان فی طاعتک و طاعة رسولک

فاردد علیه الشمس»، فرایتها والله غربت ثم طلعت بعد ما غربت و لم یبق جبل ولا ارض الا طلعت علیه حتی قام علی (ع) فتوضأ وصلی ثم غربت. ۱۶

طبرانی به سند خود از اسماء بنت عمیس نقل می کند که گفت:

قال رسول الله (ص) لعلی: انت منی بمنزلة هارون من موسى، غیر أنه لابیّ بعدی. ۱۷

اسما از روایان حدیث غدیر است. او گرد آمدن جمعی را پس از واقعه حجة الوداع در منزل ابوبکر و اجماع آنها را بر رأیی مخالف اعلان رسول الله (ص) گزارش کرده



هند، دختر ابوامیه قریشی مخزومی، معروف به امّ سلمه، یکی از همسران رسول خدا(ص) بود که در سال ۶۲ (در دوران یزید بن معاویه) دنیا را وداع گفت. وی آخرین کس از «امّ المؤمنین» بود که دنیا را وداع گفت. این بانوی بزرگوار، از اوّلین گروندگان به اسلام و از اوّلین زنان مهاجر و همسری مهربان و با وفا برای همسر اوّلش (ابوسلمه) و سپس برای رسول خدا(ص) بود.^{۲۰}

پس از رحلت فاطمة بنت اسد، پیامبر(ص) سرپرستی فاطمه(س) را به امّ سلمه سپرد و او نیز در جان نثاری برای زهرا(س) کوتاهی نکرد و همواره می گفت: «همه گمان می کنند که من فاطمه(س) را ادب می کنم؛ در حالی که او به من می آموزد و معلّم من است».

به سبب شهادتی که امّ سلمه درباره فکّ داد، ابوبکر و عمر، خرجی او را به مدّت یک سال قطع کردند.^{۲۱} امام صادق(ع) فرمود: پس از خدیجه(س)، امّ سلمه با فضیلت ترین همسران رسول خدا(ص) بود.^{۲۲}

امّ سلمه، محلّ سرّ امامت و امانتدار

سلاح و ودایع ولایت بود و به سبب ایمان و وثاقت و لیاقتش محرم اسرار و حافظ امانات اهل بیت بود. این امانات، مشتمل بر علم نیز بود که امّ سلمه آن را از رسول خدا(س) تحویل گرفت و به امام و جانشین آن حضرت سپرد و پس از آن نیز تا زمان امام سجّاد(ع) همچنان واسطه حفظ این امانت بود.^{۲۳}

امّ سلمه چنان به پیامبر اکرم(ص) نزدیک بود که آن حضرت او را از اخباری از آینده، همچون شهادت امام حسین(ع) با خبر فرموده بود. این بانوی گرامی در غزوه خیبر، فتح مکه، حصاره الطائف، غزوه هوازن و ثقیف و بالاخره در حجة الوداع، همراه رسول خدا بود. صاحبان کتب رجال، او را از اصحاب پیامبر(ص) بر شمرده اند و شرح حال نویسان در

۲۰. أسد الغابة، ص ۵۸۹.

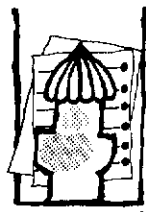
۲۱. رباحین الشریعة، محلاتی، چاپ پنجم، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۶۸ق،

ج ۲، ص ۲۵ و ۲۹۴.

۲۲. الخصال، محمد بن علی بن بابویه، تصحیح: علی اکبر غفّاری، جماعة

المدرّسین، قم، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۱۹.

۲۳. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۲۲۳.



که علی(ع) پیش پیامبر(ص) است و به آن حضرت می گوید: «پدر و مادرم فدایت، ای رسول خدا(ص)!». سپس جبریل(ع) نزد رسول خدا(ص) آمد و در سمت راست

آن حضرت قرار گرفت و علی(ع) در سمت چپ. پس از آن، پیامبر(ص) به من فرمود:

... یا امّ سلمة! اسمعی و اشهدی

هذا علی بن ابی طالب وزیری فی

الدنیا و وزیری فی الآخرة؛ یا

امّ سلمة! اسمعی و اشهدی هذا

علی بن ابی طالب حامل لوائی فی

۲۴. رجال الطوسی، ص ۳۲؛ تنقیح المقال فی

علم الرجال، عبدالله مامقانی، ۱۳۵۲،

تجلیف، ج ۳، ص ۷۲.

۲۵. محدثات شیعه، نهلا غروی نایینی،

دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۷۵،

ص ۷۵.

۲۶. المعجم الکبیر، ج ۲۳، ص ۳۲۷ و ۳۳۳-

۳۳۷.

۲۷. همان، ص ۲۴۸-۴۲۱.

۲۸. بحارالانوار، ج ۱، ص ۷۸ و ج ۶، ص ۲۰۰

و ج ۷، ص ۱۸۲ و ج ۱۰، ص ۱۴۱ و ۴۲۵

و ج ۱۷، ص ۲۳۲ و ج ۲۰، ص ۳۵۳ و

ج ۲۱، ص ۸۱ و ۱۰۲ و ۱۲۷ و ج ۲۲،

ص ۲۲۱ و ۲۲۳ و ۳۴۳ و ۴۶۱ و ج ۲۶،

ص ۴۹ و ۵۰ و ج ۲۷، ص ۱۴۳ و ۱۵۰ و

ج ۳۲، ص ۱۶۷ و ...

تمجید او قلم زده اند. ۲۴ وی از راویان

علی(ع) نیز به شمار می رود و بیش از ۳۵

نفر صحابی و تابعی رسول خدا(ص) از

او روایت کرده اند. ۲۵

امّ سلمه از راویان موثق آیه تطهیر و

حدیث کساست که درباره اهل بیت

پیامبر(ص) که علی(ع) نیز در زمره ایشان

است، نازل شده است. او می گوید: آیه

تطهیر در خانه من نازل شد. من در کنار

در نشسته بودم و گفتم: «ای رسول خدا!

آیا من از اهل بیت شما نیستم؟». فرمود:

تو بر مسیر خیری. ۲۶

فضائل این بانوی گرامی بسیار است.

او را حافظ حدیث شریف و فقیه در امور

دین و شریعت دانسته اند و از فقههای

اصحاب به شمار می رود که مرجع

بسیاری از سؤالات فقهی بود. طبرانی،

قریب ۵۲۰ حدیث از راویان مختلف از

امّ سلمه نقل کرده است. ۲۷ مجلسی نیز

احادیث فراوانی از او نقل کرده ۲۸ که یکی

از آن جمله را می آوریم.

امّ سلمه می گوید: از محضر رسول

خدا(ص) اجازه ورود گرفتم. فرمود:

«داخل شو، امّ سلمه». داخل شدم و دیدم

الدنيا وحامل لوائى غداً فى القيامة؛
يا أم سلمة! اسمعى واشهدى هذا
على بن أبى طالب وصيى و
خليفتى من بعدى وقاضى عدالتى
والذائد عن حوضى؛ يا أم سلمة!
اسمعى واشهدى هذا على بن أبى
طالب سيد المسلمين وامام المتقين و
قائد الغر المحجلين وقاتل الناكثين
والقاسطين والمارقين؛ قلت: «يا
رسول الله! من الناكثون؟» قال:
«الذين يبيعونه بالمدينة وينكثون
بالبصرة»؛ قلت: «من القاسطون؟»
قال: «معاوية واصحابه من اهل
الشام»؛ قلت: «من المارقون؟»

قال: اصحاب النهروان.^{۲۹}

ام سلمه برای بازداشتن عایشه از جنگ
با امیرالمؤمنین (ع) او را بسیار نصیحت
کرد و به او گفت: «یا بنت ابی بکر! ما انت
والخروج على على بن أبى طالب اخى
رسوله (ص) واتفق المهاجرون والانصار
على امامته». سپس مناقبى از آن حضرت
را یاد آورد شد. عبدالله بن زبیر (خواهر
زاده عایشه) نزدیک در ایستاده بود.
سخنان ام سلمه را شنید و فریاد کرد: «ای

ام سلمه! بغضت را نسبت به آل زبیر
مى دانم. تو دوستدار آنها نبوده اى و ما را
هرگز دوست نداشته اى». ام سلمه گفت:
«مى خواهيد بر خليفه پیغمبر (ص) خروج
کنيد؟ مهاجر و انصار مى دانند که
پیامبر (ص)، او را ولّى امر اين امت کرد».
عبدالله گفت: «اين را از پیامبر (ص)
نشنيدم». ام سلمه گفت: «اگر نشنیده اى،
خاله ات شنیده است. از او پرس». سپس
افزود: «پیامبر (ص) به على مى فرمود:
انت خليفتى فى حياتى و بعد موتى، من
عصاك فقد عصانى. اين طور نيست اى
عایشه؟». عایشه گفت: بله، از
پیامبر (ص) شنيدم.^{۳۰}

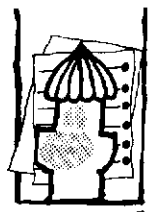
نیز از ام سلمه روایت شده:

انّ النبى (ص) كان ذات يوم فى
منزله و على (ع) بين يديه اذ جاءه
جبرئيل (ع) يناجيه عن الله سبحانه،
فلمّا تغشاه الوحى توسّد فخذ
امير المؤمنين فلم يرفع راسه عنه حتّى
غربت الشمس فاصطبر.

علامه مجلسی، مراسم خواستگاری

۲۹. همان، ج ۲۲، ص ۲۲۱ و ج ۳۲، ص ۳۰۴.

۳۰. همان، ج ۳۲، ص ۱۶۷.



خلافت معاویه و حیات برادرانش امام حسن و امام حسین (ع) در مدینه رحلت فرمود.

صاحبان کتب انساب و سیره، او را زینب صغری، امّ کلثوم، امّ کلثوم کبری و رقیه نامیده‌اند.^{۳۳} امّ کلثوم، شاهد وفات جدّ بزرگوارش رسول خدا (ص) و ظلمهای وارد شده بر پدر و مادر گرامی اش پس از پیامبر (ص) و همچنین شاهد از دست دادن مادر گرامی اش فاطمه زهرا (س) و شهادت پدر بزرگوارش امیرالمؤمنین (ع) بود و همه این مصائب را با صبر و بردباری تحمل کرد. سخنان او

فاطمه (س) را چنین نقل می‌کند:

قالت امّ سلمة: فجلس علی بن ابی طالب (ع) بین یدی رسول الله (ص) و جعل ينظر الى الارض كأنه قصد الحاجة وهو يستحيى أن يیدئها فهو مطرق الى الارض حیاء من رسول الله (ص)، فقالت امّ سلمة: فكان النبی (ص) علم ما فی نفس علی (ع) ... قال علی (ع): فقلت فداك ابی و امی انك لتعلم انك اخذتني من عمك ابی طالب و من فاطمة بنت اسد و انا صبی لا عقل لی، فغذیني بغذاك و ادبتني بادیك ...^{۳۱}

نیز مجلسی از او نقل کرده: مرکز تحقیقات فقهی و حقوقی

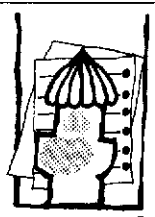
۳۲. همان، ص ۲۸۳.

۳۳. شرح نهج البلاغة، ابن ابی الحدید، چاپ دوم، دار احیاء الکتب العربیة، بیروت، ج ۲، ص ۴۷۵؛ اعیان الشیعة، سید محسن الامین، تحقیق: حسن الامین، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۳ ق، ج ۷، ص ۱۲۶؛ الکامل فی التاریخ، ابن اثیر جزری، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ص ۲۶۳؛ عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب، ابن عنبه، دار و مکتبة الحیة، ص ۵۴؛ الارشاد، محمد بن محمد النعمان (شیخ مفید)، مؤسسة الاعلمی، بیروت، ۱۳۹۹ ق، ص ۱۸۶.

امّ سلمه و میمونه عن علی (ع)، قال: رأینا رسول الله (ص) ادخل رجله فی اللحاف او فی الشعار فاستسقی الحسن ...^{۳۲}

از دیگر راویان امام علی (ع)، دختران آن حضرت: امّ کلثوم، زینب و فاطمه هستند.

امّ کلثوم، دختر امیرالمؤمنین (ع) و فاطمه زهراست. او در سال ششم هجری به دنیا آمد و در سال ۵۴ هجری در زمان



در برابر خلیفه دوم، بیان کننده شجاعت اوست.

امّ کلثوم را در زمره اصحاب رسول خدا(ص) نیز ذکر کرده اند.^{۳۴} لیکن ابن سعد، او را جمله کسانی نام برده که از غیر رسول خدا(ص) روایت کرده اند.^{۳۵} علامه مامقانی درباره او می نویسد: زنی جلیل القدر، زیرک و بلیغ بود و من او را از ثقات می دانم.^{۳۶}

امّ کلثوم از پدر بزرگوارش، امیرالمؤمنین(ع) نقل می کند:

آخر عهد ابی الی اخوی ان قال: یا بنی!

اذا انا مت فغسلانی ثم یشفانی بالبردة الی نشفتم بها رسول الله(ص) و

فاطمة(س) ثم حطانی و سجنانی علی

سریری ثم انظرا (انتظرا) حتی اذا ارتفع

لکما مقدم السریر فاحملا مؤخره...^{۳۷}

آخرین وصیت پدرم به دو برادرم،

این بود که فرمود: ای فرزندانم!

هنگامی که فوت کردم، مرا غسل

دهید و با پارچه ای که رسول

خدا(ص) و فاطمه(س) را خشک

کردید، مرا خشک کرده، سپس

حنوط کنید. بعد مرا در تابوتم

بخوابانید و منتظر باشید تا قسمت جلو تابوت بلند شود. آنگاه انتهای آن را بگیرید.

شیخ مفید به اسناد خود، از حسن بصری، از امّ کلثوم نقل می کند که امیرالمؤمنین(ع) شبی که فردای آن به قتل رسید، بیدار بود؛ ولی مانند همیشه برای نماز به مسجد نرفت. دخترش امّ کلثوم به او گفت: «چه چیز شما را بیدار نگه

داشته؟». فرمود: «اگر شب را به صبح

برسانم، کشته خواهم شد». ابن نباح

(مؤذن حضرت) نزد ایشان آمد و اعلان

وقت نماز کرد. حضرت، چند قدمی

رفت و بازگشت. امّ کلثوم گفت: «امر

کنید که جعهده با مردم نماز بخواند». امام

فرمود: «بله، به جعهده بگویید با مردم

نماز بخواند». بعد، اندکی درنگ کرد و

فرمود: «از مرگ گریزی نیست» و به

سوی مسجد روانه شد.^{۳۸}

۳۴. الاستیعاب، ص ۱۹۵۴؛ اسد الغابة، ج ۵،

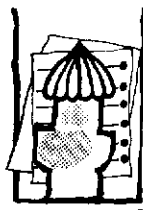
ص ۶۱۴؛ الاصابة، ج ۴، ص ۴۶۸.

۳۵. الطبقات الکبری، ص ۴۶۳.

۳۶. تنقیح المقال، ص ۷۳.

۳۷. بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۲۱۶.

۳۸. الارشاد، ص ۷-۱۵.



امیرالمؤمنین است که در زمان حیات پیامبر اکرم به دنیا آمد و به سال ۶۱ یا ۶۲ هجری در دوران خلافت یزید بن معاویه، رحلت فرمود. کنیه او را امّ عبدالله، امّ الحسن، امّ کلثوم، امّ المصائب، امّ الرزایا و امّ النوائب ذکر کرده اند.^{۳۹}

فضائل این بانوی قهرمان، چنان است که قلم از بیان آن عاجز است. نام مبارکش توسط جبرئیل بر رسول خدا عرضه شد و آن حضرت فرمود: به حاضران و غائبان وصیت می کنم که حرمت این دختر را پاس دارید؛ همانا وی به خدیجه کبری (س) مانند است.^{۴۱}

در قصص و بلاغت این بزرگ بانوی تاریخ، سخن سنجان ادوار، اعتراف دارند که هر گاه لب به سخن می گشود، چنان بود که گویا علی (ع) سخن می گفت. مرتبه عفت و عصمت و عقل و دانش آن حضرت بر همگان مشهود است. زینب (س) در عبادت، زهد، تقوا، جود و سخا، سرآمد زنان

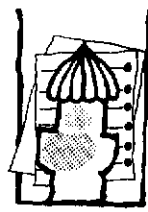
از امّ کلثوم نقل شده که چون شب نوزدهم ماه رمضان فرا رسید، برای افطار پدرم، طبقی با دو قرص نان جو و شیر و نمک آوردم. نمازش که به پایان رسید، برای افطار آماده شد. به غذایش نگاه کرد و سرش را تکان داد و به شدت و با صدای بلند گریست و فرمود: «دختر عزیزم! برای پدرت در یک طبق، دو نوع غذا آورده ای؟ می خواهی فردا (روز قیامت) نزد پروردگار، جواب دادنم طولانی شود؟ می خواهم پیرو برادر و پسر عمویم، رسول خدا باشم. دخترم! در مال حلال دنیا حساب و در حرام آن، عقاب است». سپس فرمود: «دخترم! دنیا محل فریب و خواری است. هر که هر چه انجام دهد، سزایش را می بیند. دخترم! تا یکی از این دو طعام را برنداری، به خدا قسم، چیزی نمی خورم». چون برداشتم، به غذا نزدیک شد و قرص نانی با نمک آسیاب نشده خورد. سپس خدا را شکر کرد و ثنا گفت. پس از آن به نماز ایستاد و پیوسته رکوع و سجود می کرد و به درگاه خدا گریه و زاری می نمود.^{۳۹}

زینب کبری (س) دختر امام علی (ع) و فاطمه زهرا (س)، یکی دیگر از راویان

۳۹. بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۲۷۶-۲۷۸.

۴۰. ریاحین الشریعة، ج ۳، ص ۴۶.

۴۱. همان، ص ۳۸.



زمان خویش بود. وی شاهد مصیبت رحلت جدش رسول خدا(ص) و رنجها و شهادت مادرش زهرا(س) و شهادت مظلومانه پدرش امیرالمؤمنین(ع) و برادرش حسن(ع) و مصیبت بزرگ کربلا و چگونگی شهادت برادرش سیدالشهدا(ع) و برادران و پسرانش بود و نیز نظاره گر حمله دشمن به خیمه ها و اسارت آل رسول الله. زینب کبری به همراه کاروان اسرا از کربلا به کوفه و سپس به شام حرکت کرد و پیام رسان حادثه غمبار کربلا بود.

سخنان زینب(س) پس از شهادت سالار شهیدان و خطبه های او در بازار کوفه و بارگاه یزید، همگان را به حیرت واداشت و مسلمانان را از خواب غفلت بیدار کرد. باید گفت که اگر زینب(س) نبود، واقعه کربلا به فراموشی سپرده می شد.

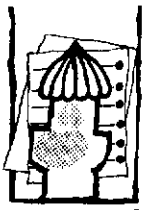
امام علی بن الحسین(ع)، جابر بن عبدالله انصاری، فاطمه بنت الحسین(ع)، محمد بن عمرو، عطاء بن سائب و عباد عامری، راویان حضرت زینب(س) هستند و آن حضرت از مادرش فاطمه(س)،

پدرش علی بن ابی طالب(ع)، اسماء بنت عمیس و امّ ایمن، روایت کرده است.^{۴۲} ابن قولویه به سند خود از امام علی بن الحسین(ع) از زینب(س) روایت می کند که فرمود: هنگامی که ابن ملجم به پدرم ضربه زد و اثر مرگ را در آن حضرت دیدم، به ایشان گفتم: «پدر! امّ ایمن خبری به من داد که چنین و چنان است. دوست دارم آن را از شما بشنوم». آن حضرت فرمود:

یا بنیة! الحدیث كما حدثتک امّ ایمن وکانی بک و بنساء اهلك سبایا بهذا البلد، اذلاء خاشعین تخافون ان يتخطفکم الناس فصبراً صبراً، فوالذی فلق الحبة و برء النسمة ما لله علی ظهر الارض یومئذ ولی غیرکم و غیر محبّیکم و شیعتکم و ...^{۴۳} دخترم! مطلب، همان است که امّ ایمن برایت گفت. گویا تو و زنان خاندانت را که اسیر شده اید، در این سرزمین می بینم. قسم به آنکه

۴۲. محدثات شیعه، ص ۱۹۸.

۴۳. کامل الزیارات، جعفر بن محمد(ابن قولویه)، تصحیح: علی اکبر غفّاری، مکتبه الصدوق، تهران، ۱۳۷۵ق، ص ۲۶۶.



رسالت پیامبر (ص) به دنیا آمد و پس از رحلت فاطمه (س) به سفارش آن حضرت به ازدواج امیرالمؤمنین (ع) درآمد. او را از اصحاب پیامبر (ص) و از راویان علی (ع) بر شمرده اند.^{۴۷} کلینی به سند خود از ابوبصیر، از فاطمة بنت علی (ع)، از امامة بنت ابی العاص روایت می کند که گفت:

اثانی امیرالمؤمنین علی (ع) فی شهر رمضان، فانی بعشاء تمر و کماة فاکل - علیه السلام - و کان یحب الکماة.^{۴۷}

از ذکر شرح حال سایر راویان آن حضرت، به سبب رعایت اختصار در این مجموعه، خودداری می شود.

۴۴. الارشاد، ص ۱۸۶؛ الطبقات الكبرى،

ص ۴۶۵؛ اعلام النساء، ج ۴، ص ۸۱؛

تهذیب التهذیب، ج ۱۲، ص ۴۴۳.

۴۵. الطبقات الكبرى، ص ۴۶۶.

۴۶. الامالی، محمد بن علی بن بابویه،

کتابخانه اسلامی، تهران، ۱۴۰۴ق،

ص ۹۴ (مجلس ۱۱، ح ۳).

۴۷. الاستیعاب، ص ۱۷۸۸؛ اسد الغابة، ج ۵،

ص ۴۰۰؛ معجم رجال الحديث، ج ۲۳،

ص ۱۸۱.

۴۸. الکافی، ج ۶، ص ۳۶۹.

دانه را می شکافد و باده را به حرکت در می آورد، در آن روز بر روی زمین، جز شما و دوستان و پیروانتان، کسی دوستدار خدا نیست.

فاطمه، دختر حضرت علی (ع) که مادرش ام ولد بود، یکی دیگر از راویان امیرالمؤمنین (ع) است که طبق گفته طبری در سال ۱۱۷ هجری دنیا را وداع کرد.^{۴۴} وی از بزرگانی چون امام علی (ع)، اسماء

بنت عمیس، محمد بن حنفیه و... روایت کرده و جمعی از بزرگان حدیث، مانند حارث بن کعب کوفی، رزین بیاع الأنباط، ابو بصیر و... از او حدیث نقل کرده اند.

ابن سعد به سند خود از فاطمه، از

پدرش علی (ع) روایت می کند:

قال ابی عن رسول الله (ص): من

اعتق نسمة مسلمة او مؤمنة و قی الله

بكل عضو منه عضواً منه من النار.^{۴۵}

فاطمه، حدیث «رد الشمس»

(بازگشت خورشید برای امیرالمؤمنین در

زمان رسول الله) را از اسماء بنت

عمیس، نقل کرده است.^{۴۶}

امامه، دختر ابی العاص، در زمان